

آوانگارد بودن با دهان پُر نمی‌شود

درباره برنامه **نقل و نقل** که کلاس درس مخاطب‌نشناسی است



مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

چند شب پیش تلویزیون را روشن کردم تا اگر فوتبال دارد، بنشینم و تماشا کنم. چند مسابقه حساس و هیجان‌انگیز، هم در اروپا و لیگ قهرمانان‌شان بود و هم در آسیاتکلیف‌تیم‌های فینالیست‌لیگ‌خنجان مشخص می‌شد. شبکه سه و ورزش، خبری نبود. فهمیدم بین دو نیمه‌فوتبال هاست و برای اینکه از شر دیدن تبلیغ ماشین لباسشویی دوقلوی کوچک جوراب‌شور برندهای وطنی در امان باشم، کانال را یکی پایین آوردم. به شبکه دو رسیدم که علی‌مطهری داشت شام می‌خورد و صحبت می‌کرد. این صحنه را که دیدم، اول گمانم بر سوتی‌های همیشگی صداوسیما رفت که همیشه خدا گزک دست منتقدان می‌دهد. گفتم حتما اشتباهی کرده و الان قضیه جمع می‌شود. نشد و دیدم واقعا سفره پهن است و مهمانان هم همین‌طور که تناول می‌کنند، درباره شهید مطهری و «دیدگاه‌ها، سلوک فکری و میراث فرهنگی» اش حرف می‌زنند. اسم برنامه «نقل و نقل» بود که گویا کار گروه معارف شبکه دو است و چند وقتی است دوره جدیدش پخش می‌شود. راستش نتوانستم تحمل کنم و خیلی زود برگشتم به شبکه سه و تبلیغات آقای فرش، مهد فرش، سرای ایرانی و... البته این بار صدای تلویزیون را بستم. در تمام طول تماشای نیمه دوم فوتبال درگیر این سوال بودم که چه در سر ایده‌پرداز و تهیه‌کننده برنامه گذشته که با خودشان فکر کرده‌اند که تماشای غذا خوردن مهمانان آن‌هم ساعت ۱۱ شب برای مخاطب جذاب است. لابد با خودشان گفته‌اند، کاری متفاوت است و مردم خلایق‌تشان را می‌ستایند. یعنی شما فرض کنید در حالی که مخاطب چشم‌اش به دهان مهمان دوخته تا ببیند چه‌ثر و گوهری از آن بیرون می‌آید، دهان که باز می‌شود... نگویم برایتان که چقدر حال به‌هم‌زن است این صحنه. یا مهمان دیگری، این‌بار بدون غذا خوردن دارد جمله‌هایش را ادا می‌کند که ناگهان از راست قاب، قاشقی پُر می‌بینیم که وارد دهان مجری می‌شود. به نظران در چنین پرفورمنسی مخاطب یک کلمه از حرف‌های عزیزان را می‌شنود. البته که نمی‌شوند. حتماً دشنامی هم بارشان می‌کند. سوالم این است که یعنی این‌بندگان خدانمی‌دانند حد معارف، آستانه خلایقیت و مخاطب‌شناسی چیست؟ یعنی چیزی هم درباره خطر قمرهای ارتباطی شنیده‌اند؟ غذا خوردن در یک برنامه تلویزیونی از منظرهای رفتار حرفه‌ای ارتباطاتی، رسانه‌ای و احترام به مخاطب مشکل دار است. اول اینکه غذا خوردن حین برنامه، تمرکز مخاطب را از محتوای اصلی منحرف می‌کند و پیام جدی نبودن را القاء می‌کند. به‌ویژه که برنامه در باره موضوعی جدی مثل شهید مطهری است. حرفه‌ای‌گری رسانه‌ای معنایش رعایت آداب، آراستگی قاب، تصویر و محتوا برای برای انتقال پیام است. مخاطب به‌جا و درست توقع دارد مهمانان و مجریان توجه کامل‌شان را به او و موضوع برنامه اختصاص دهند، نه چیز دیگری. در برنامه نقل و نقل، مخاطب از غذا خوردن تفسیری بی‌توجهی به خودش و بی‌احترامی به وقت‌اش را برداشت می‌کند. درباره تناسب فرهنگی هم دوستان به اشتباه رفته‌اند. بر فرض محال که در فرهنگ کشوری، هم‌زمانی غذا خوردن و صحبت کردن امری عادی باشد؛ در فرهنگ ایرانیان رفتاری غیرمحترمانه است و نشانه بی‌ادبی. خاصه آنکه مهمانان با دهان پُر هم حرف بزنند. روشن است که درباره یک برنامه آشپزی صحبت نمی‌کنیم، چراکه این کار در یک برنامه گفت‌وگومحور نیمه‌شب رخ داده است. دیگر این‌که، عمل غذا خوردن و حرف زدن، پیوند ارتباطی مجری با مهمان، مهمانان یا یکدیگر و مخاطب با همه این‌ها را قطع می‌کند و موجب افت کیفیت تعامل می‌شود. حال ممکن است کسی بگوید غذا خوردن مهمانان روی آنتن، حرکتی نوآورانه و آوانگارد است. متأسفانه چنین نیست. نوآوری در کار رسانه و امتحان کردن فرمت‌ها یا رویکردهای جدید، زمانی موثر است که تجربه‌ای متفاوت و ارزشمند برای مخاطب خلق کند؛ نه اینکه حال‌شان را بد کند. آخر کاری مثل غذا خوردن مهمانان در قاب تلویزیون چه آورده جذابی برای مخاطب دارد؟ می‌خواهند بگویند با مخاطب راحت هستیم و حسن نزدیکی را منتقل کنند؟ باگ‌های فرهنگی‌اش را چطور می‌پوشانند؟ مگر نه این است که صحبت کردن با دهان پُر در فرهنگ ما ناپسند است؟ می‌خواهند نرم‌ها و هنجارهای ادبی و رفتاری ریشه‌دار در فرهنگ ما را به چالش بکشند؟ بعید می‌دانم برنامه «نقل و نقل» ظرفیت این را داشته باشد که خلاف جریان شنا کند و قالب‌های مرسوم و استاندارد برنامه‌سازی را بشکند. نمی‌شود با ساده‌انگاری، قلب مفاهیم ارتباطی و رسانه‌ای و بی‌توجهی به مخاطب و نیازهایش حرکت نوآورانه یا آوانگارد کرد. آوانگارد بودن با دهان پُر نمی‌شود.

عکس: vaizesh3

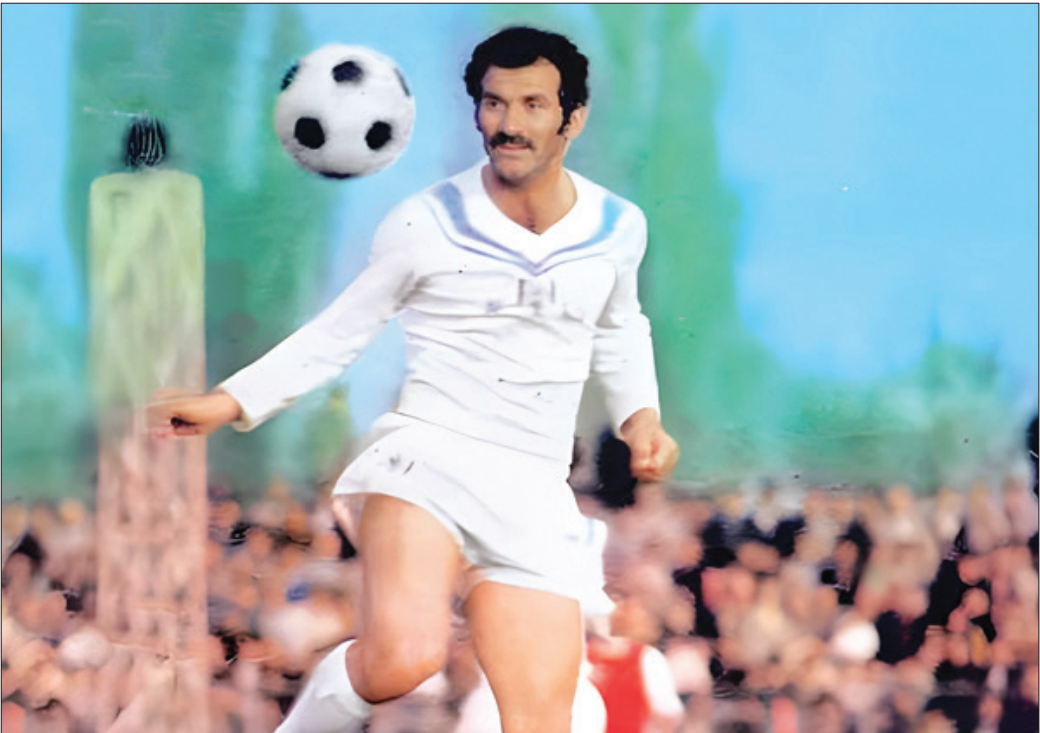
۱۶ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



رخت سیاه بر تن قوی سیمید

به بهانه درگذشت **بهمن صالح‌نیا** که برای مردم انزلی، تاریخ‌سازی کرد



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

بامداد جمعه اتفاق تلخی برای فوتبال ایران به‌خصوص باشگاه ملوان بندرانزلی رخ داد. بهمن صالح‌نیا، اسطوره فوتبال گیلان و پرافتخارترین مربی در بین تمام تیم‌های شهرستانی در سن ۸۷ سالگی درگذشت. اغراق نیست اگر بگوییم بهمن صالح‌نیا نبود، باشگاه ملوانی هم نبود که با یک قدمت ۵۰ ساله آوازه و شهرتی برای خود دست‌وپا کند. باشگاه ملوان در سال ۱۳۴۸ با همت صالح‌نیا و حمایت نیروی دریایی تأسیس شد و در نهایت چنان پیشرفت کرد که توانست به مسابقات جام تخت جمشید هم برسد و با بزرگان فوتبال ایران به رقابت بپردازد. در این گزارش قصد داریم از تلاش ۵۰ ساله‌ی مردی بگوییم که فوتبال یک استان را متحول کرد و باعث شد باشگاهی شکل بگیرد که طرفداران بی‌شماری دارد.

▼ تأسیس ملوان

قبل از اینکه در مورد تأسیس باشگاه بزرگ ملوان بگوییم بهتر است از زندگی صالح‌نیا هم گفته شود که چه مسیری را طی کرد تا به تأسیس یک باشگاه فوتبال رسید. مرحوم بهمن صالح‌نیا که متولد ۱۱ اسفندماه ۱۳۱۷ در محله سامانسر شهر انزلی بود، از خانواده‌ای فوتبالی برخاست و عمرش را هم در این عرصه سپری کرد. او تحصیلاتش را در دانشسرای تربیت بدنی گذراند، دبیر ورزش مدارس انزلی شد و از آنجا ایده شکل‌دهی باشگاه ملوان را استارت زد. صالح‌نیا همیشه نگاه ساختاری به فوتبال داشت و معتقد بود، اگر قرار است باشگاهی در ایران فعالیت کند بهتر است دارای یک نظام و ساختار هدفمند باشد تا اینکه بعد از یک دهه از هم بپاشد و منحل شود. از همین رو، صالح‌نیا در سال ۱۳۴۸ که دبیر ورزش مدارس شهر انزلی بود، عده‌ای از دانش‌آموزان خود را با همراهی نیروی دریایی دور هم جمع کرد و اساس این باشگاه را شکل داد. باشگاه فرهنگی، ورزشی ملوان نیروی دریایی بندر انزلی در سال ۱۳۴۸ و فقط در رشته فوتبال، با حمایت نوابان کریم‌رستگاری‌راد، رئیس وقت تربیت بدنی نیروی دریایی انزلی و با مربیگری آقای بهمن صالح‌نیا - پدر فوتبال گیلان که بازیکن تیم ملوان نیز بود - تأسیس شد.

▼ متخصص جام حذفی

مرحوم صالح‌نیا از همان ابتدای مربیگری خود ثابت کرد تخصص عجیبی در موفقیت در جام حذفی ایران دارد. او رکوردی را ثبت کرده که بعد از ۵۰ سال توسط هیچ مربی‌ای شکسته نشده و دست‌نخورده باقی مانده است. حتی علی‌پروین که قدیمی‌ترین و طولانی‌ترین حضور روی نیمکت مربیگری در فوتبال ایران را دارد نیز به صالح‌نیا در این زمینه نرسیده است. مرحوم صالح‌نیا از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۶ به مدت ۲۸ سال پیوسته هدایت ملوان را برعهده داشت و در یک دوره نیز از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ سرمربی این تیم شد و در مجموع سده‌ده هدایت ملوان را عهده‌دار بود. او درواقع بنیانگذار این باشگاه بود از آن‌رو به او لقب پدر ملوان داده بودند. مرحوم صالح‌نیا در کسوت سرمربیگری موفق شد سه مرتبه ملوان را به قهرمانی و سه‌بار نیز به عنوان نایب‌قهرمانی جام حذفی ایران برساند. صالح‌نیا سال‌ها به‌عنوان بازیکن و سرمربی در ملوان فعالیت کرد و عملکرد او در تیم ملوان چنان باکیفیت بود که در نهایت در تیم ملی نیز مربی و دستیار اوفارل بزرگ شد. او سابقه مربیگری تیم ملی فوتبال بزرگسالان، تیم ملی جوانان و تیم چوکا را در

کارنامه‌اش داشت. برخی از بازیکنان معروف تیم فوتبال ملوان بندرانزلی و گیلان همانند مرحوم سیروس قایقران، محمد احمدزاده، محمد حبیبی، فرهاد پورغلامی و سایر بازیکنان بنام ملوان، زمان سرمربی‌گری صالح‌نیا به فوتبال کشور معرفی شدند.

▼ راه شکست عابدزاده در ضربات پنالتی

یکی از قهرمانی‌های ارزشمند ملوان در جام حذفی به سال ۱۳۶۹ برمی‌گردد که این تیم محبوب موفق شد در نیمه‌نهایی از سد پرسپولیس با دو جین ستاره عبور کند و در فینال نیز از سد استقلال عبور کرد که ۹۰ درصد بازیکنان تیم ملی آن‌زمان را تشکیل می‌دادند. در آن مقطع دروازه‌بان استقلال احمدرضا عابدزاده‌ای بود که تازه برای خود نام و شهرتی کسب کرده بود. اما بعد از ۱۲۰ دقیقه تلاش دو تیم، کار به ضربات پنالتی کشید تا انتظار تماشاگران این باشد که عابدزاده با مهارتی که در گرفتن ضربات پنالتی دارد استقلال را به راحتی قهرمان این رقابت‌ها کند. مرحوم صالح‌نیا که در تیم ملی، در آن سال مربی عابدزاده بود، می‌دانست برخی بازیکنان ملوان از او ترس دارند. صالح‌نیا به بازیکنان ملوان می‌گوید به هیچ عنوان به عابدزاده نگاه نکنید و فقط تمرکزتان روی ضربه‌ای باشد که قرار است به سمت دروازه بزنید. او تأکید داشت، حتی به‌صورت غیرمستقیم هم به عابدزاده نگاه نکنید چون او کاملاً برتری ذهنی و روانی نسبت به شما دارد. جالب اینکه دروازه‌بان فراموش‌نشده فوتبال ایران در آن فینال حتی یک ضربه پنالتی را هم نتوانست مهار کند و انزلی‌چی‌ها در ضربات پنالتی، استقلال را شکست دادند و کاپ قهرمانی جام حذفی را به‌عنوان عیدی نوروز سال ۱۳۷۰ برای مردم گیلان سوغاتی بردند.

▼ حضور در تیم ملی

همانطور که پیش‌تر گفته شد، عملکرد خوب صالح‌نیا در مسابقات باشگاهی و موفقیت او در دوره مربیگری دتمار کرامر باعث شد تا به پیشنهاد هوشنگ دیده‌بان، دبیر وقت فدراسیون فوتبال، او به کادر تیم ملی با سرمربیگری فرانک اوفارل مشهور اضافه شود و راهی جدید در مربیگری این چهره ماندگار فوتبال ایران باز شود. صالح‌نیا که هم‌زمان، سرمربی ملوان را نیز برعهده داشت در اندیشه ساختارسازی این باشگاه نوپا از انزلی بود به همین دلیل ایشان بعد از انقلاب هم سرمربی ملوان باقی ماند و دو قهرمانی جام حذفی را با این تیم در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۹ به دست آورد. او همچنین بهترین رتبه تاریخ باشگاه ملوان را در سال ۱۳۵۶ رقم زد؛ جایی که ملوان در جایگاه سوم بالاتر از تاج ایستاد. صالح‌نیا در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ هم به مدت دو فصل به ملوان بازگشت تا شرایط این تیم را سروسامان دهد. او در مجموع ۳۰ سال سرمربی ملوان بود، اتفاقی که اصولاً در فوتبال ایران رخ نمی‌دهد که یک مربی سه‌دهه در یک تیم باقی بماند. ساختارسازی‌ای که صالح‌نیا در ملوان ایجاد کرد، مشابه رفتاری است که سر الکس فرگوسن در منچستر یونایتد ایجاد کرد. صالح‌نیا در دورانی که دوقطبی فوتبال پایتخت در حال شکل‌گیری بود، جسارت بزرگی به خرج داد و باشگاهی را در شهرستان تأسیس کرد تا بتواند با بزرگان فوتبال تهران رقابت کند. کاری که شاید در آن زمان کمتر کسی جرأت می‌کرد انجام دهد. مرحوم صالح‌نیا گفت‌وگویی با کیهان ورزشی داشت که می‌گفت، برخی از دوستان نزدیکش به او مشاوره دادند که تأسیس یک باشگاه حرفه‌ای وقت تلف کردن است، چون نمی‌توان با سرخابی‌های تهران رقابت کرد. صالح‌نیا اما دنیای بزرگتری از یک رقابت و میج‌اندازی با بزرگان داشت. او قصد داشت برای مردم شهرش تاریخ‌سازی کند و باشگاهی را به یادگار بگذارد که مردم یک شهر سال‌ها با آن زندگی و به آن افتخار کنند.

چهره

خاموشی اولین بانوی ترانه



تا سال‌ها جز مردان کسی اجازه نداشت تصنیف‌سازی کند یا روی آهنگ‌هایی که از سوی مردان اجرا می‌شد، ترانه بگذارد. اما در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، دختری به توصیه علی تجویدی به رادیو معرفی شد به‌نام منیر طاه‌ا. او تنها ۱۵ سال داشت که برای اولین‌بار ترانه‌اش با نام «شب

مهتابی» روی آهنگی ساخته تجویدی قرار گرفت. بعد از آن، منیر برای خوانندگانی مثل بنان شعر می‌سرود. اما پس از نوجوانی به‌دلیل علاقه به ادبیات فارسی، وارد دانشگاه تهران شد و رشته ادبیات فارسی را تا دکترا ادامه داد. پس از فارغ‌التحصیلی به ایتالیا رفت و در رشته ادبیات ایتالیایی هم دکترا گرفت. منیر طاه‌ا در بازگشت به ایران موسس و مدرس بخش آموزش زبان ایتالیایی در دانشگاه تهران شد و همچنان تا پیش از انقلاب روی آهنگ‌های مختلف ترانه می‌سرود. یکی از مشهورترین ترانه‌های او «عاشق شیدا» است که اولین‌بار توسط غلامحسین بنان اجرا شد و سال‌ها بعد محمدرضا شجریان آن را بازخوانی کرد. منیر طاه‌ا ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ در سن ۹۵ سالگی درگذشت.

کتابخانه

روایت زندگی‌های قربانی‌شده

رمان «وطن» نوشته فرناندو آرامبورو، نویسنده و زبان‌شناس اسپانیایی با ترجمه مرتضی علیشاهی در ۶۹۴ صفحه و با قیمت ۸۸۰ هزار تومان توسط نشر چشمه منتشر شد. آرامبورو در این رمان به کنکاش در ده‌ها خشونت بی‌حاصل و تأثیرات مخرب آن بر زندگی غیرنظامیان می‌پردازد. میرن و بیتوری که از دیرباز دوستانی نزدیک بوده‌اند با کشته شدن شوهر بیتوری به دست شبه‌نظامیان اِتا (جدایی‌طلبان یاسک)، به دشمنان خونی بدل می‌شوند زیرا پسر میرن نیز در میان قاتلان بوده است. فرناندو آرامبورو در این اثر، قصه خانواده‌هایی را می‌گوید که یک‌روز با هم خندیده‌اند و روز دیگر، رویه‌روی هم اسلحه کشیده‌اند. ماریو بارگاس یوسا، برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۰، درباره این کتاب می‌گوید: «سال‌ها از آخرین باری که چیزی چنین گیرا و تکان‌دهنده خوانده‌ام، می‌گذرد؛ داستانی که می‌توان آن را شاهد خوش‌بین‌واقعیت تاریخی نیز دانست.» «وطن» به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده و جوایز متعددی از جمله جایزه کتاب سال منتقدان اسپانیا، کتاب سال ادبیات یاسک و کتاب سال ادبیات داستانی اسپانیا را از آن خود کرده است.



وطن

نویسنده:

فرناندو آرامبورو

مترجم:

مرتضی علیشاهی

انتشارات: چشمه

تاریخ

روز جهانی آزادی مطبوعات



آزادی مطبوعات به حق رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران برای انتشار اخبار، اطلاعات و دیدگاه‌ها بدون دخالت یا سانسور دولت یا دیگر نهادهای قدرت گفته می‌شود. این آزادی یکی از ارکان اصلی دموکراسی و حقوق بشر

است و نقش مهمی در شفافیت، پاسخگویی دولت‌ها و آگاهی عمومی ایفا می‌کند. از ابعاد اصلی آزادی مطبوعات می‌توان به سانسور نشدن، دسترسی به اطلاعات، امنیت خبرنگاران در برابر تهدید، خشونت، پیگرد قضایی ناعادلانه و نبود قوانین مبهم محدودکننده اشاره کرد. بانوچه به اهمیت نقش مطبوعات در جهان امروز، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ میلادی در چهل‌وهشتمین اجلاس خود طی مصوبه‌ای روز سوم ماه مه هر سال را به‌عنوان «روز جهانی آزادی مطبوعات» اعلام کرد. این مصوبه از قطعنامه همایش عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۱ میلادی تحت عنوان «ارتقای آزادی مطبوعات در دنیا» که جراند آزاد، فراگیر و مستقل را به‌عنوان یکی از اجزای ضروری جامعه‌دموکراتیک تلقی کرده است، نشأت گرفت. این روز به‌یاد سالروز انتشار اعلامیه‌ویندهوک (Windhoek Declaration) درباره ارتقای وضعیت نشر به‌های مستقل و فراگیر آفریقایی انتخاب شد.